

بانکداری اسلامی و تامین مالی

رویکردی دیگر

بخش دوم

نویسنده: ای. ال. ام. عبدالغفور

مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

اشاره

در این مقاله، ویژگی‌های مشترک سه کتاب جدید درباره بانکداری اسلامی معرفی می‌شوند. این سه کتاب عبارتند از: بانکداری تجاری بدون ربا، مشارکت مالی از طریق بانک‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌های تجاری، و سرانجام، بانک‌های تجاری در تقابل با تورم.

در بخش نخست ضمن شرح ویژگی‌های اصلی این سه کتاب به بحث درباره وام‌دادن و سرمایه‌گذاری کردن و همچنین فعالیت‌های مالی مشارکتی پرداختیم و اینک دنباله مقاله را می‌خوانید.

بانک و اقتصاد

بانکداری تجاری بدون ربا

همانطور که قبلاً هم دیدیم، بانک‌های تجاری دارای دو کارکرد هستند: خدمات مربوط به انتقال پول، از جمله کلیه فعالیت‌های حساب جاری، و وام‌دادن. به طور کلی، کارکرد اول، یعنی انتقال پول هیچ سودی ندارد. در آن سوی ترازو هم ما دو نوع سپرده داریم: سپرده‌های حساب جاری یا سپرده دیداری، و سپرده‌های حساب پس‌انداز. سپرده‌های جاری هم هیچ سودی برای بانک به ارمغان نمی‌آورند. پس می‌توان گفت که حساب سپرده جاری و انتقال پول جزو عملیاتی بشمار می‌روند که عاری از ربا هستند و در هیچ‌کدام از این عملیات که توسط بانک‌های تجاری صورت می‌پذیرند، بهره یا ربایی دریافت یا

پرداخت نمی‌شود.

اما مسأله اصلی در مورد عملیات مربوط به حساب پس‌انداز و وام است که هر دو موجب ایجاد و انتقال بهره و ربا می‌شوند. مسأله بر سر اینست که چگونه می‌توان نسبت به وام‌دهی و سپرده‌گذاری پس‌اندازی اقدام نمود، بدون آن که از "ربا" استفاده شود؟ این مسأله به طور مشروح در کتاب اول (بانکداری تجاری بدون ربا) به بحث نهاده شده است. در این بخش به یک بررسی اجمالی در این زمینه خواهیم پرداخت و بیان جزئیات را به عهده خود کتاب خواهیم گذاشت.

ساده و قابل قبولی دارد: هرگونه پولی که علاوه بر پول و سرمایه اولیه توسط وام‌دهنده دریافت شود، ربا محسوب می‌شود. برطبق نظر نویسنده کتاب، دلایل مختلفی برای حرام‌دانستن و بدشمردن ربا وجود دارد، لذا به این موضوع توجه چندانی نباید کرد، بلکه رویکرد ما باید به گونه‌ای باشد که مشخص کند که اولاً، در کدام قسمت از عملیات بانکداری نوین، مصادیق ربا را می‌توان پیدا کرد؟ ثانیاً، چگونه می‌توان آنها را محدود کرد یا از میان برداشت؟ و ثالثاً، باید بررسی کرد که بعد از این کار، آیا سیستم به دست آمده کارآمد هست یا نه؟

از بُعد سپرده، آنچه سپرده‌گذار، علاوه بر سرمایه اولیه‌اش دریافت می‌دارد، بهره است و بنا به تعریف از مصادیق "ربا" بشمار می‌رود. بنابراین، اگر یک فرد مسلمان به علت حرام بودن دریافت ربا در اسلام، از پذیرش آن سر باز زند، به نوبه خود، بدون ربا عمل کرده است، اما در طرف دیگر قضیه، بانک قرار دارد که از وام‌گیرندگان طلب بهره می‌کند. در حالت ایده‌آل، بانک با استفاده از سپرده‌های سپرده‌گذاران به افراد نیازمند وام می‌دهد. اما سودیای بهره‌ای که بانک به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کند، کمتر از سود و یا بهره‌ای است که از وام‌گیرندگان دریافت می‌دارد. علت این امر هم وجود هزینه‌هایی است که در جریان عملیات بانک پیش می‌آید و شامل هزینه‌های جمع‌آوری، توزیع و انتشار

محققان و علمای اقتصاد اسلامی در مورد
اعمال جریمه در صورت تاخیر یا
عدم بازپرداخت وام، اختلاف نظر دارند و
برخی از آنان چنین جریمه‌ای را مصادق ربا
می‌دانند.

در این کتاب به مسلمانانی که مایلند بدون افتادن در دام ربا و منطبق با عقاید دینی خود به فعالیت تجاری بپردازند، این امکان داده شده است تا به راحتی به این هدف دست یابند. در این کتاب، توجه چندانی به دلیل حرام بودن ربا و تعریف دقیق و پر دامنه از آن نشده است. برطبق نظر این کتاب، ربا تعریف

وام‌های خود را در قالب این برنامه صورت دهند و کلیه هزینه‌های اداری و پرسنلی را نیز به بانک بپردازند و اگر در این میان، مورد یا مواردی از عدم بازپرداخت وام رخ داد، هزینه آن نیز به مبلغ اولیه وام اضافه خواهد شد. اجرای چنین راهکارهایی دارای سه مزیت عمده است: اولاً، اعمال چنین راهکارهایی باعث می‌شود که ریسک عدم بازپرداخت وام توسط وام‌گیرنده مرتفع شود و در این حالت، بانک به یک ارائه‌دهنده خدمات مالی تمام‌عیار تبدیل می‌شود و بانکداری تجاری از جلوه‌های ماندگار و حقیقی برخوردار خواهد شد؛ ثانیاً، چون در این سیستم بازپرداخت وام توسط وام‌گیرنده تضمین شده است، لذا به طور خودکار، برگشت سرمایه سپرده‌گذار نیز تضمین می‌شود و دیگر نیازی به بیمه

پیشنهادی این کتاب وفق دهد. تاکنون هم موانع چندانی از سوی مقامات مسوول بانکی کشورهای غیرمسلمان در برابر چنین سیستمی قرار داده نشده است و به همین علت، به آسانی می‌توان چنین بانک‌هایی را با حداقل تاخیر و دشواری (از جمله آموزش کارکنان) به‌وجود آورد. به‌علاوه، این سیستم، برخلاف سیستم رایج، از شفافیت کاملی هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی و اطلاع‌رسانی برخوردار است و می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در زمینه مدیریت کارآمد اطلاعات و کنترل فرایندها در اختیار همگان قرار دهد و به عنوان ابزاری مفید و سودمند در مدیریت داخلی بانک‌ها و همچنین مدیریت بانک مرکزی عمل نماید.

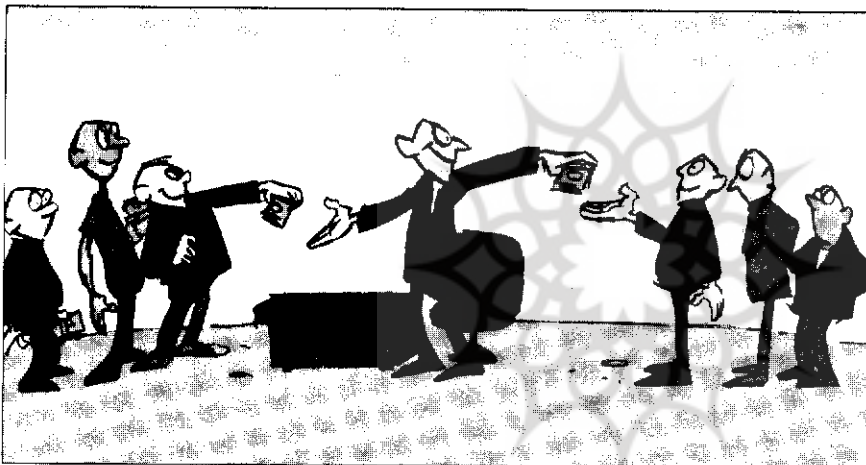
سرمایه‌ها و همچنین حسابرسی، کارهای اداری و غیره می‌شود.

در مدل پیشنهادی، بهره و کارمزدی که به وسیله بانک دریافت می‌شود، بین اجزای مختلف عملیات بخش می‌شود و پس از آن، کلیه اجزا مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند تا عاری از ربا باشند و در صورت وقوع ربا در هرکدام از آنها، بایستی آنها را از جریان عملیات حذف کرد. سپس با روی هم گذاشتن اجزای عاری از ربا یا بخش‌هایی که ربا از آنها حذف شده است، به یک بهره غیر از ربا دست می‌یابیم که کاملاً مشروع و صحیح است. اگر موفق به ایجاد چنین سیستمی بشویم و آن سیستم، کارآمدی خود را هم ثابت کند، در این صورت، توانسته‌ایم یک سیستم بانکداری بدون ربا را به‌وجود آوریم و چون این سیستم از سیستم بانکداری سنتی انشقاق یافته است، لذا قابل مقایسه با آن خواهد بود.

درواقع، سودی که بانک از وام‌گیرندگان جمع‌آوری می‌کند، هزینه فعالیت‌های مالی خواهد بود و هزینه وام یا استقراض (CoB) نامیده می‌شود و بخشی از شش نوع هزینه زیر به حساب می‌آید: سود (که به‌سپرده‌گذار پرداخت می‌شود)، هزینه خدمات، هزینه سربار، صرفه قبول مخاطره، سود و جبران کاهش ارزش سرمایه به علت تورم. در نتیجه، چون که بیشتر جمعیت کشورهای اسلامی به دلایل مذهبی یا غیره از پذیرفتن ربا اجتناب می‌ورزند، پس بانک‌ها بایستی در پی جمع‌آوری مبالغی به عنوان ربا از وام‌گیرندگان باشند. نتیجه چنین کاری این خواهد بود که CoB (هزینه وام) عاری از هرگونه ربا باشد و به تبع آن، کل سیستم بانکداری تجاری از حالتی بدون ربا برخوردار خواهد شد.

این نظریه‌ای است که در این کتاب به همراه کلیه مسایل، روش محاسبه، چگونگی اجرای سیستم و مزایای آن به طور مفصل به بحث گذاشته شده است و می‌تواند ما را در آزمون برنامه‌های مختلف وام‌دهی و مشخص کردن بدون ربا بودن آنها یاری دهد.

در کشورهایی مانند پاکستان، ایران و سودان که بانکداری بدون ربا در آنها اجباری است، سیستم فوق به راحتی توانسته است حقایق خود را به اثبات برساند و بسیاری از مشکلات کنونی بانکداری سنتی در این کشورها را حل کند. درواقع، تمام آنچه یک بانک باید انجام دهد تا به صورت جزیی از این سیستم درآید، اینست که خود را با سیستم حسابرسی



▲ بانک‌های تجاری دارای دو کارکرد هستند.

سپرده‌گذاری نخواهد بود؛ ثالثاً، محققان و علمای اقتصاد اسلامی در مورد اعمال جریمه در صورت تاخیر یا عدم بازپرداخت وام، اختلاف نظر دارند و برخی از آنان چنین جریمه‌ای را مصداق ربا می‌دانند. در چنین مواردی هم موضوع به دادگاه ارجاع می‌شود، یعنی به مرجع ذیصلاحی که قدرت لازم برای اعمال جریمه یا عدم اعمال جریمه را داراست. ولی چنین کاری، هم پرهزینه و هم وقت‌گیر است و می‌توان از آن صرف‌نظر کرد و عاقلانه‌تر آنست که این مسوولیت را به شرکت‌های بیمه واگذار کنیم. یک شرکت بیمه از توانایی لازم برای بررسی سوابق هر متقاضی وام و برآورد توانایی او در بازپرداخت آن برخوردار است و می‌تواند موارد عدم بازپرداخت وام را از قبل پیش‌بینی کند.

بیمه عدم بازپرداخت تسهیلات
صرفه قبول مخاطره، یکی از شش جزء هزینه وام یا هزینه استقراض بشمار می‌آید. در بانکداری سنتی، صرفه قبول مخاطره ناشی از عدم بازپرداخت یا تاخیر در آن، جزیی از بهره‌ای است که بانک به خاطر تحمل ریسک دریافت می‌دارد. بدیهی است در صورتی که احتمال ریسک افزایش یابد، میزان بهره بانکی نیز افزایش می‌یابد، یعنی هرچه حساب پرخطرتر باشد، میزان نرخ بهره‌اش بیشتر است. مدلی که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، این اجزا را از هم جدا کرده و تمام ریسک‌ها در قالب یک برنامه بیمه مجموع تحت کنترل قرار می‌گیرند. برطبق این برنامه، هرکدام از وام‌گیرندگان در طول دوره اجرای این برنامه، جزیی از آن بشمار می‌روند و می‌توانند بازپرداخت

فعالیت‌های مالی مشارکتی از طریق بانک‌های تجاری

بانک‌های تجاری از امتیازی برخوردارند که دیگر بانک‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های مالی از آن بی‌بهره‌اند. به عبارت دیگر، بانک‌های تجاری قادرند که از محل عملیات حساب جاری خود، پول بیافرینند. این فرایند که "اعتبار آفرینی" نیز خوانده می‌شود، به طور کامل در قالب یک ضمیمه در کتاب دوم به بحث گذاشته شده است. به طور خلاصه، می‌توان گفت که پول آفرینی یا اعتبار آفرینی، یعنی این که بانک‌های تجاری می‌توانند پولی به مراتب بیشتر از آنچه را که در اختیار دارند، در داخل حساب‌های خود داشته باشند که این مقدار با توجه به شرایط و موقعیت کلی بانک می‌تواند از پنج تا نه برابر پول واقعی باشد. به این فرایند "فعالیت مالی با پول بانک" نیز اطلاق می‌شود. براساس محتوای این کتاب در صورت ترکیب شدن این توانایی با اصول حاکم بر حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی و مشارکت به صورت مضاربه، زمینه برای فعالیت‌های مالی مشارکتی بانک‌های تجاری فراهم می‌شود. این امر باعث خواهد شد تا بانک‌های تجاری بتوانند در تعداد بسیار بیشتری از پروژه‌ها مشارکت مالی داشته باشند، پروژه‌هایی که اگر قرار بود توسط دیگر بانک‌ها و موسسات سرمایه‌ای به اجرا دربیایند، به پول بسیار بیشتری نیازمند بود. ولی چنین وظیفه و عملکردی برای بانک‌های سنتی پیش‌بینی نشده است و آنها برای انجام این کار مجهز نشده‌اند. بدون تردید بانکدارانی که پا به این عرصه می‌گذارند، بایستی از استعدادها و توانایی‌های مبدعانه‌ای برخوردار باشند تا بتوانند از آنها در زمینه فعالیت‌های خاص استفاده نمایند.

در کتاب فوق، کلیه اصول و مکانیزم‌ها و همچنین مسایل و هشدارهای مربوط به این سیستم آورده شده است. اما آنچه ذکر آن خالی از لطف نیست، آنست که از این نوع فعالیت مالی مشارکتی می‌توان برای پروژه‌های بلندمدت که برای بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری چندان جذاب نیستند، استفاده کرد. یک سود دودرصدی برای یک پروژه ۱۰۰,۰۰۰ دلاری چندان جذاب نیست، این عدم جذابیت هنگامی مضاعف می‌شود که همین سود ناچیز را بخواهیم بین سه شریک تقسیم کنیم، ولی یک بانک تجاری می‌تواند با استفاده از قدرت حاصله از یک سپرده

۲۰,۰۰۰ دلاری همین کار را انجام دهد و با به‌وجود آوردن ۱۰ درصد سود، حدود ۲۰۰۰ دلار به سرمایه اولیه سپرده‌گذار اضافه نماید و به اصطلاح "پول بیافریند". حال، می‌بینیم که این سود دو درصدی به ظاهر غیرجذاب، توسط یک بانک تجاری به ۱۰ درصد سود تبدیل می‌شود. چنین کاری هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی، به‌ویژه در سطوح خرد کاری ضروری است و به‌خصوص در روستاها و شهرهای کوچک و یا حتی در شهرهای بزرگ متمرکز خواهد بود. بدیهی است که چنین سرمایه‌گذاری خاصی را می‌توان برای رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی به کار برد.

در فعالیت‌های مشارکتی، می‌توان

کاهش ارزش سرمایه در اثر تورم را به عنوان بخشی از هزینه‌های پروژه بشمار آورد و بخشی از آن را به سرمایه‌گذار (و نه به خود پروژه) تسری داد.

با این حال، معرفی بانکداری تجاری و فعالیت‌های مالی مشارکتی، مستلزم آموزش کارمندان و قبول ریسک اضافی خواهد بود. بانک‌های تجاری سنتی از دخالت مستقیم در سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تجاری منع شده‌اند و در نتیجه، نمی‌توانند در فعالیت‌های مالی مشارکتی شرکت جویند، اما در کشورهایی که بانک‌های اسلامی در آنجا مجوز فعالیت دریافت نموده‌اند، چنین معضلاتی وجود ندارد و چنین بانک‌هایی خواهند توانست زمینه را برای فعالیت‌های مالی یا مشارکت شعب محلی بانک‌های تجاری فراهم آورند.

جبران خسارات ناشی از تورم

در چند دهه اخیر، تورم یکی از اجزای ثابت تمامی نظام‌های اقتصادی بوده است، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، و تاثیر خوبی بر کسانی نهاده است که در پی پس‌انداز پول‌هایشان بوده‌اند. اگر آنها پولشان را به صورت نقدی در خانه‌هایشان نگهداری کنند، ارزش پولشان به علت تورم روزبه‌روز کاهش می‌یابد؛ اگر یکی از دوستان آن پول را قرض بگیرد، قدرت خرید پول در زمان عودت دادن پول کاهش یافته است؛ اگر او آن پول را در بانک سپرده‌گذاری نماید،

ارزش آن مقدار پول در زمان برداشت از بانک کاهش می‌یابد. گاهی اوقات هم نرخ بهره‌ای که به سپرده‌ها تعلق می‌گیرد، به مراتب کمتر از نرخ تورم است و اگر این کسری را با کاهش قدرت خرید ترکیب کنیم، خواهیم دید که باز هم ارزش آن پول کاهش یافته است. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی، پول چه در دست خود فرد باشد و چه در دست بانک، دچار کمبود ارزش می‌شود. هنوز هم سیستم بانکداری نتوانسته است این معضل را درمان کند. بدیهی است که بانک‌ها بایستی ترتیبی بدهند که کسری ناشی از تورم به وسیله تنظیم نرخ بهره جبران شود، اما مرجعی که نرخ بهره را تعیین می‌کند، بانک است و این امکان وجود دارد که هم سپرده‌گذار و هم وام‌گیرنده در این میان متضرر شوند.

اما یک سپرده‌گذار مسلمان که از دریافت یا پرداخت ربا‌گریزان است - آنهم به دلیل اعتقادات شرعی‌اش - چه؟ کتاب "بانکداری تجاری در تقابل با تورم" به این معضل و مشکل به طور کامل پرداخته است و راه‌حلی را ارائه داده است که نه بانک، نه سپرده‌گذار و نه وام‌دهنده متضرر شوند. این کتاب با این پرسش ساده آغاز می‌شود: تورم چیست؟ و چگونه می‌توان آن را سنجید؟ کتاب می‌کوشد تا رابطه میان قیمت‌ها، تورم و پول را به ویژه زمانی که برای یک محصول افزایش می‌یابد، تشریح کند. به نقل از این کتاب، تورم، ارزش پول را می‌خورد. ولی نکته اینجاست که محصولات و خدمات گوناگون با قیمت‌های مختلفی وجود دارند و هر کدام با سرعت متفاوتی افزایش می‌یابند و همین امر سنجش نرخ تورم را دشوار می‌سازد. در ضمن، چون که هر فردی پولش را برای خرید کالاها یا خدمات خاصی صرف می‌کند، لذا به گونه‌ای متفاوت با تورم روبرو می‌شود. در بخشی از فصل دوم کتاب آمده است: «اغلب افراد فکر می‌کنند که فقط یک نرخ تورم واحد وجود دارد و با استفاده از یک روش خاص می‌توان آن را سنجید، ولی چنین امری صحیح نیست».

سنجش تورم سرمایه: فهرست قیمت‌ها و تغییرات مربوط به آنها می‌تواند تغییر قیمت کالاها و خدمات خاص را مشخص سازد. در این میان، گروه‌بندی کالاها و خدمات یک صنعت خاص یا یک منطقه جغرافیایی می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش تورم مورد استفاده قرار گیرد. سنجش میزان دخل و خرج افراد هم می‌تواند اهداف مختلفی داشته

باشد که یکی از آنها تعیین هزینه‌های مصرفی روزانه افراد می‌باشد. شاخص‌ترین فهرست قیمت‌ها که با دقت مورد سنجش قرار می‌گیرد، "فهرست هزینه زندگی" نام دارد که به نوبه خود، میزان تورم را نیز می‌سنجد. فصل سوم کتاب مورد بحث به روش‌های گوناگون سنجش تورم و هدف هرکدام می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که هیچکدام از این روش‌های سنجش تورم قادر نیستند که میزان تورم سرمایه (تاثیر تورم بر ارزش سرمایه) را مشخص سازند. در این فصل مقرر شده است که چنین سنجش خاصی بایستی از خصوصیاتمانند یکدستی، استواری، تداوم، اعتبار، زمان‌دار بودن و قابلیت پذیرش از سوی عموم مردم برخوردار باشد، خصوصیتی که هیچکدام از روش‌های کنونی سنجش تورم ندارند.

افراد به‌طور تاریخی، ثروت خود را به صورت طلا و نقره نگهداری می‌کنند. بانک‌ها از جمله بانک‌های مرکزی و صندوق بین‌المللی پول نیز ذخیره خود را به صورت طلا درمی‌آورند. در نتیجه، حتی تا زمان حال نیز سکه‌های طلا و نقره به عنوان واسطه مبادلات به مانند پول رایج به کار می‌روند. پوند انگلیس و دلار آمریکا نیز از طلا به عنوان پشتوانه خود استفاده می‌کنند. امروزه، به علت کاهش اعتقاد و ایمان مردم به بانک‌ها - به علت ناتوانی آنها در عودت دادن میزان واقعی سود سپرده‌های آنها به دلیل تورم - مردم مایلند که سپرده‌های خود نزد بانک‌ها را تبدیل به طلا یا نقره کنند. در زمان و مکانی که تورم بیداد می‌کند، در اختیار داشتن طلا بهترین راه برای مقابله با خسارات ناشی از تورم به حساب می‌آید. در این کتاب به موارد متعددی از چنین فعالیت‌هایی در کشورهای مختلف برخورد خواهد خورد.

در عین حال، قیمت بازار طلا نیز می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش تورم ثروت یا سرمایه به حساب آید. در فصل چهارم این کتاب، راهکاری خاص برای نیل به این مقصود ارائه شده است. علاوه بر این، کتاب به این موضوع اذعان دارد که چنین کاری تلاش و هزینه بسیار زیادی را می‌طلبد، زیرا بایستی برای هر کالا و قیمت آن، جدولی جداگانه و مقیاس‌های خاصی را در نظر گرفت. حال در نظر بگیرید که همین کار را برای هزاران هزار کالا و قیمت آنها بخواهیم انجام دهیم.

این مقیاس جدید را اینگونه تعریف می‌کنند: میانگین متغیر ۱۳ هفته‌ای قیمت‌ها را با میانگین ۱۳

هفته‌ای قیمت طلا در بازارهای محلی در مقابل هم قرار می‌دهند. هر دوی این سری قیمت‌ها به وسیله بانک مرکزی تعیین می‌شوند. نتیجه هرچه باشد، قیمت استاندارد آن سرمایه در طول هفته خاص خواهد بود. حال نرخ تورم را وارد معادله کنید. نتیجه کار یکی از معتبرترین و ارزشمندترین معیارهایی است که در کلیه فعالیت‌ها و معاملات بانکی و مالی به کار بسته می‌شود. چنین فرایندی، از نظر قانونی و حقوقی باید پذیرفته شود و به تصویب مجلس و سایر نهادهای ذریعیه برسد. هنگامی که چنین کاری در سراسر کشور صورت گرفت، می‌توان از آن نرخ برای کلیه معاملات دولتی و خصوصی استفاده نمود.

کاربرد برای بانکداری تجاری: تورم، فرایندی است که به آرامی و مانند خوره سرمایه را می‌خورد. این فرسایش و خوردگی به تدریج و ذره‌ذره صورت می‌گیرد، به طوری که در کوتاه‌مدت چندان ضایعات محسوسی را به بار نمی‌آورد. بنابراین، برای جبران کاهش ارزش سرمایه به علت تورم بایستی یک برهه زمانی کافی را در نظر بگیریم. یک ماه، زمان خیلی کوتاهی به نظر می‌رسد و یک سال هم خیلی زیاد است. تقسیم‌کردن زمان به واحدهای کوچکتر نیز کار و هزینه فوق‌العاده‌ای دارد. بنابراین، بهترین ظرف زمانی برای این کار، سه ماه یا یک فصل است. در ضمن، تمام حساب‌ها را بایستی با معیار نرخ طلا مورد سنجش قرار داد.

تحلیل‌های این کتاب نشان می‌دهد که فعالیت‌های لازم برای مشخص نمودن تاثیرات ناشی از تورم در سه حیطة خلاصه می‌شود: سپرده‌های بلندمدت، وام‌های میان‌مدت و بلندمدت و اوراق قرضه دولتی. سایر کارها مربوط می‌شود به تعیین نرخ واقعی طلا و تنظیم جدول تطبیقی. از چنین روشی هم در بانکداری تجاری سنتی و هم در سیستم بدون ربا (اسلامی) می‌توان استفاده کرد.

اما چنین سیستمی چگونه کار می‌کند؟ در تئوری، تمامی سپرده‌ها به صورت واحدهای طلا مورد پذیرش قرار می‌گیرند و میزان برگشتی و سود آنها نیز به صورت واحدهای طلا محاسبه می‌شود. تمامی وام‌ها هم به صورت واحدهای طلا اعطا می‌شوند. به عبارت دیگر، تمامی معاملات سرمایه‌ای و مالی به صورت طلا خواهند بود. اما در عمل، نیاز به یک پول واحد داریم تا ارزش طلا را بر مبنای آن بسنجیم، هم در آغاز و هم در پایان عملیات. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از نرخ تورم سرمایه و محاسبه آن با نرخ طلا،

ضرر رخ داده برای واحدهای سرمایه را بسنجیم. مثلاً اگر میزان سرمایه (سپرده یا وام) برابر با ۵۰۰۰ واحد باشد و نرخ تورم سرمایه ۱۵ درصد، پس میزان ضرر ناشی از تورم در یکسال، برابر با ۷۵۰ (۱۵×۵۰۰۰٪) خواهد بود، یعنی بعد از یکسال، ارزش این سرمایه که به صورت طلا بوده است، به ۵۷۵۰ واحد پول آن کشور خواهد رسید. این مابه‌التفاوت تقریباً همان مبلغی است که بانک به سپرده‌گذاران به عنوان سود می‌پردازد (البته در مورد سپرده‌گذاری) و اگر معامله به صورت وام باشد، همان مبلغی است که بانک در ازای وام‌دادن از فرد وام‌گیرنده طلب می‌کند، آن هم به عنوان هزینه وام. البته باید در اینجا ذکر کنیم که این مبلغ در زمان برداشت یا بازپرداخت محاسبه می‌شود و براساس قیمت‌های واقعی استوار است و هیچگاه در محاسبه آنها نباید از قیمت‌های تضمینی یا پیش‌بینی استفاده نمود. در نتیجه، هیچگونه ابهام و پوشیدگی در این مدل وجود ندارد و آنچه بایستی پرداخت یا دریافت شود، ضرر واقعی ناشی از تورم برای سپرده‌گذار یا بانک می‌باشد.

در زمانی که سرمایه، برای حفاظت شدن، نیاز به سپرده‌گذاشتن دارد، کارآمدی و تاثیر این روش بیشتر نمود پیدا می‌کند و بیشتر می‌تواند بر توسعه ملی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه تاثیر بگذارد. لذا این امر، مستلزم توجه جدی بانک‌ها و دولت‌ها خواهد بود.

کاربرد برای فعالیت‌های مالی مشارکتی:

فصل دوم کتاب دوم مورد بحث به‌طور کامل به بررسی تاثیر تورم بر فعالیت‌های مالی مشارکتی اختصاص یافته است. در بخشی از این گفتار آمده است: «در نظر گرفتن کاهش ارزش سرمایه به عنوان بخشی از هزینه‌های پروژه و تسری دادن بخشی از آن به سرمایه‌گذار (و نه به خود پروژه) و قبل از تقسیم سودوزیان حاصل از سرمایه‌گذاری، می‌تواند رویکردی بهتر و مناسب‌تر به حساب آید. این تقسیم و توزیع سود و زیان می‌تواند براساس نرخ تورم صورت پذیرد. اما این نرخ تورم را چگونه و چگونه باید محاسبه کرد؟ این سوالی است که همچنان بدون پاسخ مانده است.»

اوراق قرضه دولتی: دولت‌ها با انتشار اوراق

قرضه، از عموم مردم وام‌های بلندمدت می‌گیرند. ارزش اسمی این اوراق در زمان سررسید تضمین می‌شود. حال، به این علت که اوراق قرضه در زمان انتشار با قیمتی کمتر از ارزش اسمی به فروش می‌رسند، بدان‌ها سود تعلق می‌گیرد. این اوراق به

قابل مقایسه باشد و نباید تمام ابعاد و ویژگی‌های گاه مفید این سیستم را مردود شمارد و از همه مهمتر، باید به راحتی قابل فهم، قابل شرح و قابل اجرا باشد. لذا ایجاد چنین سیستمی، مستلزم تلاش و بررسی جدی از سوی کلیه جوامع مسلمان و شفاف‌سازی کلیه ابعاد و اشکال سیستم بانکداری خواهد بود.

منابع

- 1) Abdul Gafoor, A.L.M. / Interest - free Commercial Banking / Groningen / Apptec Publication / 1995.
- 2) ... Participatory Financing through Investment Banks and Commercial Banks / Groningen / Apptec Publication / 1996.
- 3) ... Commercial Banking in The Presence of Inflation / Groningen / Apptec Publication / 1999.
- 4) Galbraith. John Kenneth / The Culture of Contentment / London / Sinclair - Stevenson / 1992.

ترس و نگرانی از ربا داشته باشند. برخی از دولت‌های اسلامی نیز فقط به سود ناشی از انتشار سهام توجه دارند و نه به سایر مسایل، اما باید به طرف دیگر سکه نیز توجه داشت: در اسلام اصلی وجود دارد به نام "فی سبیل الله" (یعنی برای خدا) که در آن، افراد نه برای سود و منفعت شخصی، بلکه به خاطر خدا اقدام به خرید اوراق می‌کنند. همین خلوص عقیده و نیت پاک مسلمانان می‌تواند دولت‌ها را تحت فشار قرار دهد که از سرمایه به‌دست‌آمده در راه‌های درست و اخلاقی استفاده نمایند.

نتیجه‌گیری

سه کتابی که مورد بررسی قرار گرفتند، می‌کوشند تا یک سیستم بانکداری و مالی جامع را به‌وجود آورند. یکی از دلایل اولیه و ضروری برای چنین بررسی‌هایی، همانا نیازهایی است که جوامع مسلمان در سرتاسر دنیا برای فعالیت‌های اقتصادی دارند. بدون تردید، این سیستم بایستی عاری از هرگونه مسایلی باشد که مسلمانان به‌دلیل عقاید مذهبی خود از آنها اجتناب می‌ورزند. این سیستم بایستی از انعطاف‌پذیری کافی در قبال موقعیت‌ها و شرایط مختلف برخوردار باشد. این سیستم بایستی از نظر کارآمدی و لیاقت، با نمونه سنتی و غربی آن

علت سهولت در خرید و فروش، جزو دارایی‌های آئی و سیال، به‌ویژه برای بانک‌ها به حساب می‌آیند. با این حال، چنین امری در نظام‌های اقتصادی بدون ربا مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در چنین نظام‌هایی، خریداران اوراق از دریافت ربا سرباز می‌زنند، ولی باید توجه داشت که مابه‌التفاوتی که به عنوان سود به این اوراق اضافه می‌شود، معادل همان کاهش قدرت خرید ناشی از تورم است که تا زمان سررسید اوراق اتفاق می‌افتد. برخی پیشنهاد کرده‌اند که این اوراق براساس اصل تقسیم سود و زیان انتشار یابند، اما قسمت اعظم سرمایه‌های فراهم‌شده از طریق اوراق قرضه صرف سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های غیرانتفاعی (مانند پروژه‌های زیربنایی، احداث مدارس و بیمارستان‌ها) یا پروژه‌های بلندمدت (مانند پروژه‌های بخش نیرو یا آب) می‌شود. در نتیجه، ابهام همچنان باقی می‌ماند. پیشنهاد کتاب این است که این اوراق در قالب واحدهای طلا منتشر شوند و در نتیجه، سودی که به آنها اضافه می‌شود، مصداق ربا نخواهد بود و خریداران اوراق را از صدمات ناشی از تورم مصون می‌دارد.

پیشنهاد جالب دیگری نیز در این کتاب به چشم می‌خورد: ... بسیاری از مسلمانان و موسسات اسلامی، اقدام به خرید اوراق قرضه می‌کنند، بدون این که هیچ

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸